



۲۰۱۳/۱۲/۲۷



فارو



په اروپا کی دمیخته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

روز لشکرکشی روسها،

سیاه ترین صفحه در تاریخ معاصر افغانستان!

ششم جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسمبر ۱۹۸۰) و چهاردهم فیروزی ۱۹۸۹ روزهای آغاز و انجام اشغال افغانستان توسط روسهاست. ششم جدی فاجعه تکاندهنده بود که پیامدهای دیرپا و عواقب خونین و مخرب آن محدود به سالهای اشغال نماند و آنچه طی سه و نیم دهه اخیر برون وطن و مردم ما میگذرد، بصورت مستقیم یا غیرمستقیم محصول تجاوز عریان نظامی روسهای اشغالگر بدعوت "حزب دیموکراتیک خلق افغانستان" (ح. د. خ. ا.) به وطن افغانها بود. اردوی سرخ بعد از پیروز بدر آمدن از جنگ جهانی دوم لشکر شکست ناپذیر پنداشته میشد. اشغال سهل چکوسلواکیا توسط نیروهای اردو وک. گ. ب. نمایش دیگری از قدرت این بزرگترین نیروی نظامی (از لحاظ تعداد عسکرو وسایط جنگی) در جهان بود. لئوندریزنیف بعد از مشوره با عده انگشت شمار اعضای بیروی سیاسی "حزب کمونیست" با اتکاء به ستون پنجم خویش یعنی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (شامل پرچم و خلق) تصمیم به زور آزمایی با افغانهای سلحشور گرفت. کتابهای نوشته شده توسط جنرالهای شکست خورده روس حکایت از این دارند که ببرک کارمل و سایر رهبران سفیر شده پرچم، در ارتباط تنگاتنگ با سازمان بزرگ استخبارات اتحاد شوروی وقت (ک. گ. ب.) منظمأ در جلسات بزرگ حزبی، لشکری و استخباراتی روسها حضور مییافتند و برای اشغال کشور ابائی شان لابی میکردند. از جانب دیگر حفیظ الله امین و گروه تره کی با شادمانی بیش از حد، شاهد پائین شدن طیارات نظامی بی شمار روسها در میدانهای خواجه رواش، بگرام، شیندند و عبور وسایط نظامی روس از حیرتان بودند. ایشان فکر میکردند که "رفقای مسکو" بلاخره به درخواستهای مکرر شان جواب مثبت داده و قطعات در خواستی نظامی شان را به کابل فرستاده اند. بلاخره گروه کارمل همراه با مثلث خلقی وطنجار - گلابزوی - سروری، در رکاب قوای اشغالگر روس وارد کابل شدند. تانکیستهای روسی بعد از کشتار "رفیق" شان حفیظ الله امین، بزرگترین چهار راهی های شهر کابل را اشغال کردند. بعد از طلوع افتاب مردم شریف کابل که از مان جنگ دوم افغان - انگلیس به بعد تانکیست خارجی را در پایتخت کشور خود ندیده بودند، دچار شوک اعصاب شدند و آنچه را باچشمان از حدقه برآمده میدیدند، باور کرده نمیتوانستند. (بزودی آنها بر این حالت فایق آمده و قیام عمومی سوم حوت را برگزار نمودند). روسهای سوار به این تانکها از یکسو مردم عادی مقیم کابل را میدیدند که باچشمان خشم آلود به آنان مینگریستند. و از جانب دیگر دختران وابسته به "سازمان دیموکراتیک زنان افغنستان" را که با دسته های گل به نیروهای اشغالگر خوش آمدید میگفتند. بسیاری از این دختران معصوم بوده معنی این حرکت خود را نمیدانستند. آنها تحت تأثیر تبلیغات "اترناسیونالستی" رهبران روس پرست خود بودند. رهبرانیکه "دوستی بااتحاد شوروی را شرط وطنپرستی" میدانستند و حاضر بودند افغانستان را صد بار چون گوسفند به پیش پای "ارتش سرخ" قربانی کنند، که کردند. بعد از اشغال روسها میکانیزی برای تحت کنترل نگهداشتن هردوجناح (ح. د. خ. ا.) سنجیدند. قیومیت پرچمیها را به "مشاورین" ک. گ. ب. سپردند و قیومیت خلقیها را به "مشاورین" وزارت دفاع شوروی. تصادفی نبود که اسدالله سروری با وصف آنکه سلطانعلی کشتمند و خانمش را در آگسا بشدت شکنجه کرده بود، در پست معاونیت کشتمند (صدراعظم) مقرر شد و کشتمند جرأت هیچنوع اعتراض علیه این تصمیم را نداشت. (کتاب خاطرات سیاسی کشتمند).

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزي بني پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

با اشغال افغانستان روسها دو هدف را دنبال میکردند: رسیدن به آبهای گرم با ابقای رژیم ستون پنجم شان (ح. د. خ) در افغانستان و جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به یک تهدید برای جمهوریهای آسیای میانه شوروی. روسها بعد از ده سال بمباردمان وحشیانه قرأ و قصبات افغانستان، کشتار دومیون انسان بیگناه و مهاجرساختن هشت میلیون افغان، متحمل شکست مقتضحانه نظامی- سیاسی و اقتصادی شده در تمام اهداف خویش ناکام شدند. گروهف آخرین نظامی متعلق به سپاه ۴۰ اتحادشوروی در افغانستان، بیست سال بعد از خروج در مراسم گل گزاری بر پای بنای یاد بود نظامیان روسی کشته شده در افغانستان در شهر ماسکو گفت: "با اتکاء به تجارب خویش به ایالات متحده مشوره میدهم از ارسال نیروی بیشتر به افغانستان بپرهیزد. در افغانستان راه حل نظامی وجود ندارد".

دراخیر میخوایم نکاتی را از کتاب "افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی" که توسط جنرال داکتر قاریف سر مشورااعلائی نجیب الله در مورد کودتای ثور و دوره حکومت پوشالی نجیب الله برشته تحریر درآمده است نقل قول کنیم. میخوایم عبارات مرتبط بهم را از صفحات مختلف در یک پاراگراف جمع نموده با ذکر صفحه عبارات را از هم جدا سازیم. قاریف مینویسد: "در واقع چرخش اپریل یک کودتای نظامی بود" (صفحه ۱۶)... " این حرکت از همان آغاز کدامین پایگاه اجتماعی جدی نداشت" (صفحه ۱۹)... "ناسازگاری برنامه های انقلابی با روح جامعه، تلاش برای تحمیل این برنامه ها باروشهای ستمگرانه و زور، تشجها و مبارزه آشتی ناپذیر میان گروهکهای "خلق" و "پرچم" در میان حزب و بیدادگری های گروهی در برابر روحانیون و لایه های گسترده مردم، نیروهای انقلابی را در چشمان توده ها هر چه بیشتری ارج میگردانید" (صفحه ۱۷)... مشاوران شوروی که در ارگانهای حزبی و دولتی کار میکردند، نیز نمیتوانستند جداً بر پیشامدها تأثیر وارد کنند. در گام نخست مشوره گیرندگان آنها زیر هیچگونه فشار نمیخواستند و یا اینکه ترس داشتند در بین مردم بروند" (صفحه ۱۹)... "در مجموع جنگ در افغانستان به پیمانها بسیار به پیر جنجالی شدن رویارویی های نیروهای مختلف - اجتماعی- سیاسی در کشور و تشدید بسیاری دیگر از پدیده های منفی مساعدت کرد که در سر انجام منجر به فروپاشی اتحادشوروی و نابسامانیهای دیگری که ما امروز به آن دست و گریبان هستیم گردید" (صفحات ۲۹ و ۳۰)

گذشت سی و سه سال نتوانسته است تلخ اشغال و سالهای متعاقب پر از خون و آتش کشورشان توسط روسها را از حافظه مردم افغانستان بزدايد. مردم دستهای آلوده به خون و جنایت روسها، رهبران ح. د. خ. ا و افسران قوای مسلح رژیم دست نشانده روس را خوب بیاد دارند و از عواقب فاجعه بار آن هنوز هم رنج میبرند. اینکه بقایای حزب منحل شده "دیموکراتیک خلق" به واقعیت های فوق پشت میگردانند، تغییری در تاریخ پر از خون و خیانت حزب شان وارد ساخته نمیتواند. جلادان نازی هم ادعای بیگناهی میکردند و میکنند. داعیه عدالتخواهی تا زمان تطبیق عدالت گریبانگیر این دژ خیمان تاریخ خواهد بود.

"کمیته حقوق بشر فارو"

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی